

غالب دهلوی* قرار داشت و بیشتر به پیروی از او شعر می سرود. به علاوه، در فن عروض مهارت داشت (شادانی، ۱۹۸۶، ص ۵۱-۵۲، ۸۱؛ همو، ۱۳۷۵ ش، ص ۱۵۶) و بسیاری از شاعران معاصر پاکستان از شاگردان او بودند (برای نمونه ← همو، ۱۹۸۶، ص ۳۴۹-۳۵۲؛ همو، ۱۳۷۵ ش، ص ۱۵۷-۱۵۸). برخی از مهم ترین آثار شادان عبارت اند از: تصحیح دره نادری، ترجمه مقامات حمیدی، شرح فرهنگ حاجی بابا اصفهانی، شرح قصاید خاقانی، شرح قصاید قاننی، و ترجمه رباعیات ابوسعید ابوالخیر (← ذوالفقار، ص ۱۶۹؛ نوشاهی، ج ۱، ص ۵۵۹، ۹۴۲، ۹۴۶، ج ۲، ص ۱۳۰۷، ۱۳۲۶). آثاری نیز از او به اردو، فارسی، ترکی و انگلیسی به جای مانده که هنوز (۱۳۸۹ ش) به چاپ نرسیده اند و در موزه ملی کراچی نگهداری می شوند (← شادانی، ۱۹۸۶، ص ۲۴۰-۲۵۳).

منابع: غلام حسین ذوالفقار، تاریخ اورینتال کالج، لاهور ۱۹۶۲؛ لاله سری رام، تذکره هزارستان المعروف به خمخانه جاوید، ج ۴، چاپ سنگی دهلی ۱۳۲۵؛ اصغرعلی شادانی، «استاد علامه شادان بلگرامی»، ترجمه انجم حمید، دانش: فصلنامه مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ش ۴۷ (زمستان ۱۳۷۵)؛ همو، حیات شادان بلگرامی، کراچی ۱۹۸۶؛ عارف نوشاهی، فهرست کتابهای فارسی چاپ سنگی و کمیاب کتابخانه گنج بخش، اسلام آباد ۱۳۶۵ ش- / تحسین فراقی /

شادروان، اصطلاحی در معماری که در متون کهن پارسی، دست کم به سه معنای کلان به کار رفته است: ۱) آب بند؛ ۲) مفرش گسترده و پرتقش ونگار؛ ۳) پرده و سایبان و سرپرده و خیمه؛ نمونه مهمی از کاربرد خاص این اصطلاح ازاره سنگی خانه کعبه است که آن را شادروان نامیده اند. شادروان از زبان پارسی به عربی و ترکی راه یافته و در معانی گوناگون به کار رفته است (← دهخدا، ذیل ماده). در زبان عربی، شادروان و شادروان (به فتح و کسر ذال) ضبط شده و در ترکی، شادروان تلفظ می شود. در مصر و شام، یکی از معانی شادروان آب نمای دیواری و در قلمرو معماری عثمانی، سقاخانه* و وضوخانه بناهای عمومی است. در زبانهای ارمنی و گرجی هم شادروان، با تلفظهای محلی، به دو معنی قالی و فواره آب آمده است (بنونیست^۳، ص ۳۴). این اصطلاح کاربردهای خاص هم یافته است، مانند پل و بندی در شوشتر، بر رود کارون.

یکی از رشته های اصلی معنای شادروان رشته های از معناهاست که پیوندی با آب دارد. ابوعبدالله خوارزمی در سده چهارم (ص ۷۰)، شادروان را اساس استوار حوالی پل

شادان بلگرامی، شاعر و ادیب اردو و فارسی زبان هندی، در سده سیزدهم / نوزدهم. در ۱۸۶۹/۱۲۸۶ در بخش شاه آباد به دنیا آمد و در ده سالگی، نام سید اولاد حسین را برگزید. در آغاز، تخلصش «ناشاد» بود و سپس به «شادان» متخلص شد. پدرش، سید تقی نقوی، از اخلاف سیدجلال الدین بخاری* بود که گفته شده نسبش با ۳۳ واسطه به امام علی نقی علیه السلام می رسد. در سه سالگی، همراه نیای خود به بلگرام رفت و به بلگرامی مشهور شد (شادانی، ۱۳۷۵ ش، ص ۱۴۹؛ همو، ۱۹۸۶، ص ۳۳-۳۴؛ سری رام، ج ۴، ص ۳۸۸).

زبان و ادب فارسی را نزد پدر بزرگش، سیدفداحسین نقوی بخاری، بهادرعلی و سیدعلی بلگرامی آموخت. او در ده سالگی در یکی از مدرسه های بلگرام مشغول به تحصیل شد و نزد کسانی چون مولوی کرارعلی و مولوی غلام حیدر ارشد بلگرامی به فراگیری دانش پرداخت و عربی آموخت. در ۱۸۸۲/۱۳۰۰، به لکنو (لکهنو) رفت و نزد مولوی ابوتراب کشمیری، منطق و صرف و نحو را فرا گرفت. به علاوه، در این شهر به فراگیری انگلیسی پرداخت. پس از اخذ دیپلم از دبیرستان سینتینال^۱، تحصیل را در سهارنپور، محمودآباد و مدرسه عالی اسلامی لکنو ادامه داد. همچنین، در دانشگاه پنجاب به تحصیل و تدریس پرداخت (← سری رام، همانجا؛ شادانی، ۱۳۷۵ ش، ص ۱۵۰-۱۵۲؛ ذوالفقار، ص ۱۶۸).

او دوره های آموزش فارسی و عربی و اردو را در سطوح منشی عالم، مولوی عالم و منشی فاضل در ۱۳۱۴ و ۱۳۱۵ / ۱۸۹۶ و ۱۸۹۷ گذراند و پس از مدتی، دوره منشی عالم را تدریس می کرد. سپس از ۱۳۱۹ تا ۱۳۴۲ / ۱۹۰۱-۱۹۲۳، در مدرسه عالی رامپور به عنوان استاد زبان فارسی استخدام شد و از ۱۳۰۲ ش / ۱۹۲۳، در دانشکده خاورشناسی (اورینتال کالج)^۲ لاهور، در دانشگاه پنجاب^۳ کنونی، زبان و ادبیات فارسی تدریس کرد. پس از بازنشستگی در ۱۳۱۷ ش / ۱۹۲۳، از اورینتال لاهور به مدرسه عالی رامپور بازگشت و تا هنگام مرگ در ۱۳۲۶ ش / ۱۹۴۸ به تدریس مشغول بود (شادانی، ۱۹۸۶، ص ۴۳، ۴۸-۴۹؛ همو، ۱۳۷۵ ش، ص ۱۵۱-۱۵۳؛ سری رام، همانجا؛ ذوالفقار، ص ۱۶۸-۱۶۹).

شادان از ۱۸۹۲/۱۳۱۰ به اردو و فارسی شعر می سرود و اشعارش در مجلات نیرنگ در رامپور و انتخاب در لکنو چاپ می شد. او در شعر شاگرد اصطفی خورشید بود. او به امامان شیعه علیهم السلام ارادت بسیار می ورزید و در برخی از اشعار خود این ارادت را نشان داده است. شادان تحت تأثیر کلام و افکار

1. Sentinel High School

2. Oriental College

3. Punjab University

4. Benveniste